

کتاب یوئیل اور لاودکیہ کی سیونتھ ڈے ایڈونٹسٹ کلیسیا

— نمبر بیالیس

Jeff Pippenger

2026-02-09

چھل و دو

ہنگامی کہ لاویان بیست و سہ، در پیوند با خطِ مسیح کہ در آن اعیادِ بهاری با ضدمثال خود تلاقی کردند، به دو سطرِ مساوی بیست و دو آیہ ای تقسیم می شود، می توانیم خطی را نشان دهیم کہ با سہ گام فصیح شامگاهِ جمعہ، نانِ فطیرِ سبت، و نورہا در روزِ نخستِ ہفتہ آغاز می شود۔ این یک Waymark است، چنان کہ با تعمیدِ مسیح نمود یافته است؛ اما آن یک Waymark سہ گام دارد۔

ہرگاہ از رستاخیزِ آغازِ کنیم و چھل روز بہ آیندہ امتدادِ دھیم، بہ نقطہ ای سرنوشت ساز می رسم، زیرا در همان ہنگام بود کہ مسیح از تعلیمِ رو در رو بازایستاد و در ابرہا صعود کرد۔ یکصد و چھل و چہار ہزار تن نیز در ابرہا صعود می کنند۔

اور اُنہوں نے آسمان سے ایک بلند آواز سنی جو اُن سے کہہ رہی تھی، یہاں اوپر آ جاؤ۔ چنانچہ وہ بادل میں آسمان پر چڑھ گئے، اور اُن کے دشمن اُنہیں دیکھتے رہے۔ اور اُسی گھڑی ایک بڑا زلزلہ آیا، اور شہر کا دسواں حصہ گر پڑا، اور اُس زلزلہ میں سات ہزار آدمی مارے گئے؛ اور باقی لوگ خوف زدہ ہوئے، اور آسمان کے خدا کی تمجید کرنے لگے۔ دوسرا افسوس گزر گیا؛ اور دیکھو، تیسرا افسوس جلد آنے والا ہے۔ پھر ساتویں فرشتہ نے نرسنگا پھونکا؛ اور آسمان پر بڑی آوازیں ہوئیں، جو کہہ رہی تھیں، دنیا کی سلطنتیں ہمارے خداوند اور اُس کے مسیح کی ہو گئی ہیں؛ اور وہ ابدالآباد بادشاہی کرے گا۔ مکاشفہ 11:12-15۔

دومین و سومین وای، اسلام است، و فرشتہ ہفتمِ همان وای سوم است کہ بار دیگر، اسلام می باشد۔ وای سوم در ہنگام زلزلہ بہ سرعت فرا می رسد۔ این زلزلہ، قانونِ یکشنبہ در ایالات متحدہ است؛ ایالات متحدہ همان وحشِ زمینِ مکاشفہ سیزدہ است، و قانونِ یکشنبہ همان تکان است کہ لرزشی شدید می باشد۔ وحشِ زمین، برترین پادشاہ از میان دہ پادشاہ است، و ہنگامی کہ ایالات متحدہ در قانونِ یکشنبہ سرنگون گردد، یک دھم شہر سقوط کردہ خواہد بود۔ در همان ساعتِ قانونِ یکشنبہ، آن دو شاہد کہ بہ وسیلہ ایلیا و موسی نمایاندہ شدہ اند، همان دو شاہدی کہ ہمراہ با مسیح در برابرِ پطرس، یعقوب و یوحنا در تجلی ظاہر شدند، در ابری بہ آسمان برداشتہ می شوند، و ہمہ می بینند، زیرا دشمنانِ ایشان آنان را نگریستند۔

چھل روز پس از رستاخیز، عیسی بہ میان ابرہا «صعود کرد» و آن دہ روز در بالاخانہ آغاز شد۔ صعود، آزمونی دیداری است، همان گونه کہ فرشتہ دوم از سہ فرشتہ نیز چنین است۔ در ہنگامِ صعود او، فرشتگانِ اعلام کردند کہ او با ابرہا بازخواہد گشت، همان گونه کہ اکنون با ابرہا صعود کرد۔

و چون این سخنان را گفت، در حالی کہ ایشان می نگریستند، بالا بردہ شد؛ و ابری او را از برابرِ دیدگانِشان برگرفت۔ و ہنگامی کہ ایشان در وقتِ بالا رفتن او، چشم بہ آسمان دوختہ بودند، اینک دو مرد با جامہ های سفید در کنارشان ایستادند؛ کہ ایشان نیز گفتند: ای مردانِ جلیل، چرا ایستادہ بہ آسمان می نگرید؟ ہمین عیسی کہ از نزد شما بہ آسمان بالا بردہ شد، بہ ہمین گونه باز خواہد آمد، چنان کہ او را دیدید کہ بہ آسمان می رفت۔ اعمال ۱:۹-۱۱

بازگشت او در آمدن دوبارہ او در «جلال» پادشاہی اوست۔

پس هر که از من و از سخنان من در این نسل زنکار و گناه‌آلود عار داشته باشد، پسر انسان نیز چون در جلال پدر خویش با فرشتگان مقدس بیاید، از او عار خواهد داشت. مرقس 8:38.

همین «جلال» همان چیزی است که پطرس، یعقوب و یوحنا بر کوه تجلی مشاهده کردند. کوه تجلی نیز گام دومی بود که به ترتیب، پیش از آن قیصریه فیلیپی و پس از آن قیصریه مارتیما قرار داشت. آزمون دوم همچنین آزمون صورت وحش است، آزمونی که مستلزم شناخت نبوی این حقیقت است که صورت وحش در حال شکل‌گیری است. آزمون دوم همچنین همان بازرسی ملصر از دانیال و دوستانش است تا چهره‌های ایشان را با کسانی که بنشن نخوردند مقایسه کند. این آزمونی بصری است. گام دوم در سه گام عهدی تاریخ عهد ابرام، «علامت» ختنه بود. گام دوم نمایانگر مهر شدن قوم خداست، آنگاه که ایشان چون علّمی برافراشته می‌شوند. گام دوم جایی است که «جلال» آشکار می‌گردد، زیرا سه گام فرشته اول عبارت‌اند از ترس، «جلال» و داوری. روز چهارم فصل پنتیکاست با کوه تجلی منطبق است. نعلین خود را از پای برکن، زیرا در زمین مقدس ایستاده‌ای.

معراج یک آزمون بصری است، و در ترتیب اعیاد، معراج در نشانهٔ چهل‌روزه، پنج روز پیش‌تر با عید شیپورها مسبوق می‌شود. عید شیپورها هشدار شیپور هفتم را مشخص می‌سازد، که همان هشدار اسلام است.

صعود پس از کرناها به فاصلهٔ پنج روز رخ می‌دهد، و سپس پنج روز پس از صعود، روز کفّاره داوری را رقم می‌زند. کرنا همان راه‌های کهن است؛ همان پیام لائودیکیه است؛ همان اسلام است؛ و همان پیام بنیادین فرشتهٔ اول است. پنج روز بعد، هنگامی که تعلیم «روبرو» به پایان می‌رسد، آزمون دیداری دوم فرشتهٔ دوم با صعود مشخص می‌شود. پنج روز پس از آن، داوری فرشتهٔ سوم را مشخص می‌سازد.

پانچ دن بعد، جب خدا کے گھر پر عدالت مکمل ہو چکی ہوگی، تو پینتیکوست کے دن کے نشان کے مطابق ریاستہائے متحدہ پر عدالت آئے گی۔

اور اُس نے ابرام سے کہا، یقین جان کہ تیری نسل ایک ایسی سرزمین میں، جو اُن کی نہ ہوگی، پردیسی ہوگی، اور وہ اُن کی خدمت کریں گے؛ اور وہ انہیں چار سو برس تک دکھ دیں گے۔ اور اُس قوم کو بھی، جس کی وہ خدمت کریں گے، میں عدالت میں لاؤں گا؛ اور اُس کے بعد وہ بڑی دولت کے ساتھ نکل آئیں گے۔ پیدایش 13:15، 14۔

«جوهر عظیم»ی که صد و چهل و چهار هزار نفر در زمان قانون یکشنبه در اختیار دارند، آنگاه که «آن امت» ایالات متحدهٔ آمریکا مورد داوری قرار می‌گیرد، همان جوهر باب ششم اشعیاست که نمایندهٔ الوهیت است. نبوت عهد ابراهیم می‌گوید: «و نیز آن امت»، و بدین‌سان آشکار می‌سازد که قوم خدا پیش از قانون یکشنبه مهر شده‌اند. سپس در هنگام قانون یکشنبه، در دوره‌ای که به وسیلهٔ هفت روز عید خیمه‌ها تمثیل شده است، باران آخر بی‌پیمانه فرو ریخته می‌شود، در حالی که داوری بر آن جماعت عظیم بیرون از خانهٔ خدا به انجام می‌رسد.

در ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰، آن دو شاهد در کوچه‌های سدوم و مصر کشته شدند. آن دو شاهد، موسی و ایلیا بودند، و ویلیام میلر، ایلای تاریخ خود بود. او در رؤیای خود، برای لحظه‌ای چشمانش را بست، و در ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ به‌طور نبوی چشمانش را در مرگ بست. هنگامی که چشمانش را گشود، اتاق خالی بود، دری و پنجره‌ها گشوده بودند. سپس وقتی میلر کاری را که مرد خاک‌روب انجام می‌داد دید، از او با التماس خواست که مواظب باشد، و مرد خاک‌روب به او اطمینان داد که همه‌چیز به‌خوبی پیش خواهد رفت.

وقتی میلر در بیابان، در ژوئیه ۲۰۲۳، بیدار شد، عید فطیر فرا رسید، اندکی پیش از رستاخیز در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳. در آن نقطه—پیام نبوی فریاد حقیقی نیمه شب، همان «فریادی» که هر پیام نبوی دیگری را که تا آن زمان مهرگشایی شده بود، نمونه وار بازمی نمود—آغاز به مهرگشایی کرد؛ زیرا پایان سه روز و نیم، یک «زمان آخر» را مشخص می سازد، و در «زمان آخر» همواره یک مهرگشایی نبوی وجود دارد. این همواره چنین است، زیرا مسیح همان است که دیروز بود، امروز هست، و تا ابد خواهد بود. معاملات او با انسان ها پیوسته یکسان است، زیرا او اکنون نیز بر همان «خطوطی» عمل می کند که همیشه کرده است. در پایان سه روز و نیم، مکاشفه عیسی مسیح مهرگشایی شد.

جسد قیام یافته به وسیله آدم، که نخست صورت یافت و سپس نفس حیات بر او دمیده شد، نمونه سازی شده بود. استخوان های خشک مرده حزقیال ۳۷ نیز نخست به وسیله یک نبوت شکل گرفتند، و پس از آن به وسیله نبوتی دوم که نفس حیات را با پیامی از چهار باد—که همان پیام مهر و موم است—به آن بدن بی جان آورد، زنده شدند. در هر دو تصویر، نبوتی که گشوده می شود دو بخش دارد که به شیوه های گوناگون عرضه می گردند. این دو، درونی و بیرونی اند؛ رؤیای نهرهای اولای و حدقل اند؛ رؤیاهای chazon و mareh اند؛ دو شاهد و دو لوله زرین اند؛ و همچنین نمونه های دیگر.

در تاریخ میلری، فریاد نیمه شب همان نبوتی بود که با نبوت فرشته دوم پیوند یافت؛ نبوتی دو مرحله ای. هنگامی که استخوان های خشک مرده در سال ۲۰۲۳ زنده شدند، به ضرورت نبوی می بایست آزموده شوند، زیرا گشوده شدن مهر یک نبوت همواره فرایند آزمونی سه مرحله ای را آغاز می کند. دو آزمون نخست، آزمون بنیانی و سپس آزمون هیكل بود.

پنج روز پس از قیامت، ندای نداکننده در بیابان - که به وسیله دوره نان فطیر نمود یافته است - پایان می پذیرد؛ زیرا ایلیا، که به وسیله میلر و یحیی تعمیددهنده نمایانده شده است، هر دو راه را برای آن کسی مهیا ساختند که شایسته نبودند کفش های او را برگیرند. در قیامت، عیسی دوره تعلیم «رودرو»ی خود را به مدت چهار روز آغاز می کند. آن تعلیم «رودرو» برای دانیال در باب دهم، در روز بیست و دوم آغاز شد. در آنجا این امر به صورت سه گام و سه لمس، همراه با دوچندان شدن قوت، به تصویر کشیده شده است.

پنج روز پیش از آن که چهار روز به پایان برسد، هشدار شیپور اسلام نواخته می شود. هشدار اسلام به وسیله الاغی که مسیح در ورود ظفرمندان خود به اورشلیم بر آن سوار شد، نمادینه گردید. پیش از آن که او از سرایشی های کوه زیتون به سوی اورشلیم فرود آید، نخست به شاگردان خود فرمان داد بروند و الاغ را باز کنند.

«این رؤیا در سال ۱۸۴۷ عطا شد، در زمانی که از برادران ادونتیست نگاه دارنده سبت جز شمار اندکی وجود نداشت، و از میان آنان نیز فقط معدودی بر این باور بودند که رعایت آن از چنان اهمیتی برخوردار است که میان قوم خدا و بی ایمانان خط تمایز بکشد. اکنون تحقق آن رؤیا در حال آشکار شدن است. «آغاز آن زمان تنگی»، که در اینجا ذکر شده، به زمانی اشاره ندارد که بلاها شروع به ریخته شدن کنند، بلکه به دوره ای کوتاه درست پیش از ریخته شدن آنها اشاره دارد، هنگامی که مسیح در قدس است. در آن زمان، در حالی که کار نجات به پایان خود نزدیک می شود، تنگی بر زمین روی خواهد آورد، و امت ها خشمگین خواهند شد، با این حال مهار خواهند شد تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی حیات از حضور خداوند، خواهد آمد تا به صدای بلند فرشته سوم قدرت ببخشد، و مقدسان را مهیا سازد تا در دوره ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، پایدار بایستند.» Early Writings, 85.

در ۱۱/۹ او به فرشتگان خود فرمان داد تا الاغ را رها کنند، و سپس جرج بوش کوچک تر الاغ را مهار کرد. کورش نمودگار فرشته نخست است، زیرا فرمان نخستین را اعلام کرد. از این رو او هم ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و هم

۱۱/۹ را نمایندگی می‌کند، و در ۱۱/۹ اسلام، چنان‌که با «به خشم آمدن امت‌ها» نمایان شده است، رها گردید و سپس در مهار نگاه داشته شد. در آن زمان باران آخر آغاز به باریدن کرد. کورش هر دو نشانه راه اسلام را در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و ۱۱/۹ نمایندگی می‌کند.

«به مدت سه هفته، جبرائیل با قوای تاریکی پیکار کرد و می‌کوشید تأثیراتی را که بر ذهن کورش در کار بودند، خنثی سازد؛ و پیش از آنکه این نبرد به پایان رسد، خود مسیح به یاری جبرائیل آمد. جبرائیل اعلام می‌دارد: «رئیس مملکت فارس بیست و یک روز با من مقاومت کرد؛ لیکن اینک میکائیل، یکی از رؤسای بزرگ، به اعانت من آمد؛ و من در آنجا نزد پادشاهان فارس ماندم.» دانیال ۱۰:۱۳. هر آنچه آسمان می‌توانست برای قوم خدا انجام دهد، انجام شد. سرانجام پیروزی به دست آمد؛ نیروهای دشمن در تمام ایام کورش، و در تمام ایام پسرش کمبوجیه، که قریب هفت سال و نیم سلطنت کرد، مهار شدند.» انبیا و سلاطین، ۵۷۱.

کورش، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، هنگامی که، به تعبیر پیشگامان، برتری عثمانی به پایان رسید، اسلام وای دوم مهار شد. این مهار، پایان نبوت زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز را نشان می‌داد؛ نبوتی که از هنگامی آغاز شد که چهار فرشته، که نماینده چهار سلطان اسلامی بودند، به وسیله فرشته ششم، که نماینده وای دوم از سه وای اسلام بود، رها شدند. در ۹/۱۱ اسلام ضربه زد و سپس مهار شد، چنان‌که این مهار در تاریخ کورش و در سال ۱۸۴۰ به تصویر کشیده شده است. هر سه آن شاهدان، مهار یا رها شدن اسلام را مشخص می‌کنند، و در آغاز ورود ظفرمندان مسیح، کره‌اللاغ رها شد.

رها شدن اللاغ پیش از ورود ظفرمندان او، پیام شیپور را که پنج روز پیش از عروج فرا می‌رسد، مشخص می‌سازد. پیام اسلام که بار دیگر رها می‌شود، چنان‌که در ۱۱ سپتامبر رها شد، و چنان‌که پانزده روز بعد، در قانون یکشنبه، که پنطیکااست است، دوباره رها خواهد شد، همان پیامی است که آغاز فریاد نیمه‌شب را نشان می‌دهد. رها شدن اللاغ، آغاز یا آلفای اعلام پیام فریاد نیمه‌شب را نشان می‌دهد، و در قانون یکشنبه، جایی که فریاد نیمه‌شب به فریاد بلند دگرگون می‌شود، اسلام بار دیگر بر وحش زمین حمله می‌کند.

دوران فریاد نیمه‌شب با حمله‌ای آلفا از سوی اسلام آغاز می‌شود و با حمله‌ای اُمگا از سوی اسلام پایان می‌پذیرد. حملات اسلام بر ایالات متحده در شهادت بلعام و اللاغ او بازنمایی شده است، که البته در باب بیست و دوم کتاب اعداد بیان گردیده است. سرنوشت کلیسای لاودیکه‌ای ادونتیست روز هفتم، به عنوان شاخ پروتستان وحش زمین، در اشعیا ۲۲:۲۲ (داخلی) بازنمایی شده است، و سرنوشت شاخ جمهوری‌خواه در اعداد ۲۲:۲۲ (خارجی) و آیات پس از آن بیان گردیده است.

و خشم خدا افروخته شد، زیرا او می‌رفت؛ و فرشته خداوند در راه ایستاد تا در برابر او خصم باشد. و او بر اللاغ خود سوار بود، و دو خدمتکارش با او بودند.

اور گدهی نے خداوند کے فرشتے کو راستہ میں کھڑا دیکھا، اور اُس کی تلوار اُس کے ہاتھ میں ننگی تھی؛ سو گدهی راستہ چھوڑ کر کھیت میں مڑ گئی؛ اور بلعام نے گدهی کو مارا تاکہ اسے پھر راستہ پر لے آئے۔ گنتی ۲۲:۲۲، ۲۳.

در واقعه ۹/۱۱، بلعام نبی کاذب، که نماینده ایالات متحده و جرج بوش پسر بود، در پی آن بود که کاری را که پدرش، جرج بوش پدر، در تلاش جهانی‌گرایان برای سرنگون ساختن ایالات متحده و اجرای آنچه او «نظم نوین جهانی» می‌نامید، آغاز کرده بود، به انجام رساند. انگیزه کتاب مقدسی جهانی‌گرایان کشتن قوم باقیمانده خداست، و جرج بوش پسر نمایانگر پایان میراث نبوی پدرش در به میان آوردن «نظم نوین جهانی» است، چنان‌که خود آن را می‌نامید. «نظم نوین جهانی» بوش در اتحاد سه‌گانه اژدها و وحش و نبی کاذب در قانون یک‌شنبه فرامی‌رسد، و جرج بوش پسر آغاز دوره‌ای را مشخص می‌سازد

که در قانون یکشنبه به اوج می‌رسد؛ همان زمانی که وقت مهر نهادن، زمان آزمون صورت وحش، دوره ممثل در ندای نخست مکاشفه هجده، و بسیار امور دیگر است. الاغ بلعام دستورکار جهانی گرایان را منحرف ساخت تا آن‌گاه که صد و چهل و چهار هزار تن بر پیشانی‌های خود مهر شوند.

مزمور أو تسبیحة لآساف. یا الله، لا تصمت؛ لا تسكن ولا تهدأ، یا الله. فهوذا أعداؤك يضجون، ومبغضوك قد رفعوا الرأس. احتالوا بمكر على شعبك، وتشاوروا على مستوريك. قالوا: هلم فنقرضهم من أن يكونوا أمة، لكي لا يذكر اسم إسرائيل بعد. لأنهم تأمروا معاً بقلب واحد؛ عليك تعاھدوا. مزامير 5-83:1

آیات ششم و پس از آن، «دشمنان» را به‌عنوان «ده» امت معرفی می‌کند که در مکاشفه هفدهم به‌صورت ده پادشاه نمایان شده‌اند. در آنجا، ده پادشاه هم‌رای‌اند، اما آساف می‌گوید: «به یک‌دل با هم مشورت کرده‌اند؛ و بر ضد تو هم‌پیمان شده‌اند.» این ده پادشاه، همان کنفدراسیون شریر جهانی‌گرای ایام آخرند که مصمم شده‌اند «اسرائیل»، یعنی «مخفی‌ان تو» را از «امت بودن» «منقطع سازند». کار این کنفدراسیون ده پادشاه که قدرت پاپی را به‌عنوان «سر» اتحاد سه‌گانه «برمی‌افرازند»، نابود ساختن «اسرائیل» روحانی است که در «سترگاه حضرت اعلی» پنهان شده‌اند.

در ۱۱ سپتامبر، الاغ اسلام دستورکار اژدها را از مسیرش منحرف ساخت، زیرا فرشته نیرومند مکاشفه ۱۸ با شمشیری در دست خود فرود آمد. آزمون درونی در آن هنگام این بود که به راه‌های قدیمی بازگشت شود. در آن نقطه، تکرار تاریخ‌های میلی‌ها در دو فرشته اول و دوم آغاز شد تا همان‌گونه که در تاریخ سه آیه نخست مکاشفه هجده بیان شده است، بازتکرار شود؛ آن سه آیه نخست، همان آیاتی هستند که خواهر وایت گفت هنگام فرو افتادن ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک به انجام خواهند رسید.

در یازده سپتامبر، مکاشفه ۱۸:۳ به انجام رسید، و موازات فرود آمدن فرشته اول برای روشن ساختن زمین با جلال خود در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، آنگاه با فرشته دوم که سقوط بابل را اعلام کرد، پیوست. بلعام نماد فرشته اول بود، و بلعام با دو خادم خود همراه بود که نمایانگر فرشته دوم بودند.

در تمثیل بلعام درباره شاخ جمهوری‌خواه نبی کاذب، بلعام می‌بایست دو رویارویی دیگر نیز با الاغ اسلام داشته باشد. در سومین رویارویی، الاغ «سخن می‌گفت»، و سخن‌گفتن نبوت نشان قانون یکشنبه است. در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، الاغ بار دیگر ضربه زد، اما نه به سرزمین روحانی نوین جلال؛ بلکه به سرزمین تحت‌اللفظی کهن جلال ضربه زد، و اکنون بلعام و الاغش در دومین رویارویی خود بودند.

Pero el ángel del Señor se puso en una senda entre las viñas, con un muro de este lado y otro muro del otro. Y cuando la asna vio al ángel del Señor, se apretó contra el muro y aplastó contra el muro el pie de Balaam; y él volvió a golpearla. Números 22:24, 25

باغ انگور اسرائیل باستان، باغ انگور ادونتیسیم لائودیکیایی روز هفتم را به تصویر می‌کشد. هر دو قوم عهد هستند که مسئولیت یافته بودند امینان شریعت خدا باشند؛ شریعتی که به صورت «دیوار» نمادپردازی شده است و یکی از عناصری است که باغ انگور را تشکیل می‌دهد.

ने मैं जब, क्यों फरि? हो कयिा न लयिा उसके ने मैं जो, था सकता जा कयिा क्था और लयिा के बारी की दाख मेरे मैं कबिताऊँ तुम्हे मैं, आओ अब और? की उत्पन्न दाख जंगली उसने, करे उत्पन्न दाख वह किकी आशा दीवार उसकी और; जाएगी चराई वह और, ढूँगा हटा बाड़ उसकी मैं: करूँगा क्था साथ के बारी की दाख अपनी 5:4, 5. यशायाह जाएगी। रौंदी वह और, ढूँगा ढा

اسرائیل لفظی باستان و اسرائیل روحانی معاصر، ہر دو عصیان ورزیدند و مسئولیت‌های مقدس خویش را رد کردند۔ از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبہ، یک مسئلہ نبوی بہ وسیلہ «دیوار»ی بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ آن مسئلہ نبوی، ویران سازی «دیوار» جدایی میان کلیسا و دولت در درون قانون اساسی ایالات متحدہ است۔ در ۱۱ سپتامبر، بوش «قانون مینہ پرستی» را بہ اجرا گذاشت کہ گامی بزرگ در جہت واژگون ساختن قانون اساسی بود؛ زیرا در همان جا فلسفہای کہ قانون اساسی را ہدایت می کرد، وارونہ گردید، ہنگامی کہ اصول حقوق روم، کہ مدعی است شخص تا زمانی کہ بی گناہی اش ثابت نشود گناہکار است، برتر از اصل حقوق انگلیسی پذیرفتہ شد کہ بر این امر پای می فشارد کہ شخص بی گناہ است تا زمانی کہ گناہکاری اش ثابت شود۔

دورانی کہ از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبہ امتداد دارد، مشتمل بر اشارات نبوی بہ «دیوارہا» است۔ اسلام کہ همچون الاغ بلعام دیوارہا را درہم می کوید، نشان می دہد کہ این مسئلہ اسلام است کہ منطق گمراہ کنندہ را برای واژگون ساختن اصول مندرج در قانون اساسی فراہم خواہد آورد۔ در این معنای نبوی، اسلام کہ نبی کاذب کتاب مقدسی است، همان چیزی است کہ ایالات متحدہ را در زمان آزمون تصویر وحش فریب می دہد؛ چنان کہ نبی کاذب ایالات متحدہ نیز تمام جہان را در زمان آزمون جہانی تصویر وحش فریب می دہد۔

۷ اکتبر ۲۰۲۳، الاغ اسلام بہ سرزمین باشکوہ کهن تحت اللفظی حملہ کرد، و ہنگامی کہ الاغ پیش از اعلان فریاد نیمہ شب رہا شود، اسلام بار دیگر ایالات متحدہ، یعنی سرزمین باشکوہ روحانی مدرن را، همان گونہ کہ در ۱۱ سپتامبر کرد، مورد حملہ قرار خواہد داد۔ بار دوم کہ بلعام الاغ را می زند، آن فرشتہ دوم است، و فرشتہ دوم ہموارہ دوچندان شدن را پدید می آورد، چنان کہ در «راہی از تاکستان‌ہا» با دو دیوار بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔

اور خداوند کا فرشتہ آگے بڑھا اور ایک تنگ جگہ میں کھڑا ہوا، جہاں نہ دائیں طرف مڑنے کی راہ تھی نہ بائیں طرف۔ اور جب گدھی نے خداوند کے فرشتہ کو دیکھا تو وہ بلعام کے نیچے بیٹھ گئی؛ اور بلعام کا غضب بھڑکا، اور اُس نے گدھی کو لاٹھی سے مارا۔ تب خداوند نے گدھی کا منہ کھول دیا، اور اُس نے بلعام سے کہا، میں نے تیرا کیا بگاڑ لے کہ تو نے مجھ سے تین بار مارا؟ گنتی 22:28۔

وقتی آیات بیست و دو و سہ آیہ بعد از آن را با دقت بیشتری بررسی می کنیم، درمی یابیم کہ در واقع این آیہ بیست و سہ است کہ در آن الاغ برای نخستین بار زدہ می شود۔

و غضب خدا افروختہ شد زیرا او می رفت؛ و فرشتہ خداوند در راہ ایستاد تا مخالف او باشد۔ و او بر الاغ خود سوار بود، و دو خادمش با وی بودند۔

اور گدھی نے خداوند کے فرشتہ کو راستہ میں کھڑا دیکھا، اور اُس کی تلوار اُس کے ہاتھ میں کھنچی ہوئی تھی؛ تب گدھی راستہ سے ہٹ گئی اور کھیت میں چلی گئی؛ اور بلعام نے گدھی کو مارا تاکہ اسے پھر راستہ پر لے آئے۔ گنتی 22:22، 23۔

خشم خدا بر بلعام بہ سبب پذیرفتن درخواست آن کہ نبی کاذب باشد، موازی آن بود کہ مسیح در آخرین آیہ متی ۲۲ گفت و گوی خود را با یہودیان مجادلہ جو پایان داد۔ آیہ بیست و سوم اعداد ۲۲ با متی باب ۲۳ منطبق است، و آیات بیست و چہار و بیست و پنج اعداد با باب های ۲۴ و ۲۵ متی انطباق دارند۔ آیات ۲۶، ۲۷ و ۲۸ نیز با باب های ۲۶، ۲۷ و ۲۸ متی منطبق اند۔

متی ۲۳ فرشتہ اول است، ۲۴ و ۲۵ فرشتہ دوم اند و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ فرشتہ سوم اند۔ در اعداد ۲۲، آیہ ۲۳ فرشتہ اول است، آیات ۲۴ و ۲۵ فرشتہ دوم اند و آیات ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ فرشتہ سوم اند۔ متی قوم عہد را، اعم از قدیم و جدید، مورد خطاب قرار می دہد: اعداد نقش اسلام را بہ عنوان ابزار تأدیب خدا بر ضد

عبادت یکشنبه کہ در ایالات متحده آغاز می‌شود و سپس سراسر جهان را فرا می‌گیرد، مشخص می‌سازد. پس از ضربه سوم، هنگامی کہ الاغ سخن می‌گوید، بلعام نسبت به آنچه به تازگی رخ داده بود، آگاه می‌شود.

سپس خداوند چشمان بلعام را گشود، و او فرشته خداوند را دید کہ در راه ایستاده بود و شمشیرش در دستش برهنه بود؛ پس سر خود را فرو افکند و به روی خود بر زمین افتاد. و فرشته خداوند به او گفت: «چرا این سه بار الاغ خود را زده‌ای؟ اینک من بیرون آمدم تا در برابر تو بایستم، زیرا راه تو در نظر من کج است. و الاغ مرا دید و این سه بار از پیش من روی گردانید؛ اگر از پیش من روی نگردانیده بود، یقیناً اکنون تو را نیز کشته بودم و او را زنده نگاہ می‌داشتیم.» و بلعام به فرشته خداوند گفت: «گناه کرده‌ام، زیرا ندانستم کہ تو در راه به مقابله من ایستاده‌ای؛ پس اکنون، اگر این در نظر تو ناپسند است، باز خواهم گشت.» اعداد 22:31-34.

بلعام نمایانگر نبی کاذب است، کہ همان ایالات متحده است کہ در هنگام قانون یکشنبه همچون اژدها سخن می‌گوید. در هنگام قانون یکشنبه، آنگاه کہ منور می‌گردد، او نمایانگر کسانی است کہ هنوز در بابل هستند، و سپس نسبت به مسئلۀ قانون یکشنبه بیدار می‌شوند و از بابل فراخوانده می‌شوند.

پانچ دن تک میلر کی طرف سے ے خمیری روٹی کا پیغام سکھایا جانا، پھر تیس دن تک مسیح کا اپنے کاہنوں کو تعلیم دینا، جس کی نمائندگی تیس سے ہوتی ہے، جو گدھے کے کھولے جانے کے نرسنگے کی تنبیہی پیام تک لے جاتا ہے، جو علم کے بلند کیے جانے سے پانچ دن پہلے واقع ہوتا ہے، اور وہ علم بلند کیا جانا دس کنواریوں کی تمثیل میں دروازہ بند ہونے سے پانچ دن پہلے ہے، اور وہ دروازہ بند ہونا پنتیکست کی اتوار کے قانون سے پانچ دن پہلے ہے، جو خیموں کے سات روزہ دور کا آغاز کرتا ہے، اور یہی اتوار کے قانون کے بحران کے دوران پچھلی بارش کے کامل انڈیل جانے کا زمانہ ہے، کیونکہ اس مدت کی آزمائش ساتویں دن کے بارے میں ہے۔

عدد پنج نماذ باکرہ‌ہاست، خواہ دانا باشند خواہ نادان. عدد سی نماذ کاہنان است، و این همان چیزی است کہ نام لاویان بر آن دلالت می‌کند. عدد هفت نماذ سبت است. لاویان بیست و سه تاریخ کاہنان، لاویان ملاکی سه، باکرہ‌های دانا، و یکصد و چهل و چهار هزار را در خلال زمان آزمون سبت به تصویر می‌کشد.

در مقالہ بعدی این مطالب را ادامه خواہیم داد.